۹

فیلم‌ها و احساس‌ها

کیارستمی، پشت و روی واقعیت

یوسف اسحاق‌پور

ترجمه محمدرضا شیخی

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور: کیارستمی؛ پشت‌وروی واقعیت/ یوسف اسحاق‌پور؛ ترجمه‌ی محمدرضا شیخی؛ دبیران و ویراستاران فارسی سعیده طاهری و بابک کریمی.| مشخصات نشر: تهران: شورآفرین، ۱۳۹۷. مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص. | فروست: فیلم‌ها و احساس‌ها ۹./ دبیران: سعیده طاهری و بابک کریمی؛ | شابک: ۱-۲۷-۸۸۲۲-۶۰۰-۹۷۸ | وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا | موضوع: کیارستمی، عباس، ۱۳۱۹ - ۱۳۹۵- نقد و تفسیر- سینما - دبیران - تهیه‌کنندگان و کارگردانان | شناسه‌ی افزوده: شیخی محمدی محمدرضا، -۱۳۵۳، مترجم | شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۷۲۳۲۷ |

رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۴۶آ۹۶ک/PN۱۹۹۸/۳

فیلم‌ها و احساس‌ها ۹

دبیران: سعیده طاهری و بابک کریمی

کیارستمی؛ پشت و روی واقعیت

یوسف اسحاق‌پور

ترجمه‌ی محمدرضا شیخی

ویراستار فارسی: گروه فیلم‌ها و احساس‌ها

مدیر هنری و طراح جلد: سارا بیژنی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۱-۲۷-۸۸۲۲-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: تهران، خیابان مطهری، کوچه پروشات، پلاک ۲۵؛

تلفن: ۸۸۴۳۰۴۹۹؛ همراه: ۰۹۱۲۵۵۷۹۱۴۵

www.ketab.ir

فهرست

یادداشت مترجم ۷
مقدمه‌ای بر ترجمه‌ی فارسی ۹
دفتر اول / کیارستمی؛ پشت و روی واقعیت ۱۱
-۱- عکس‌ها / ابدیتِ امر گذرا: حضورِ غیابِ تصویر ۱۵
-۲- امر واقع / دروغ و حقیقت هنر ۲۹
-۳- ماقبل تاریخ / تردکی و طبیعت ۵۱
-٤- زیبایی دنیا / غیاب، مرگ، منظره ۷۸
بخش دوم ۹۹
-۵- گفت‌وگو با عباس کیارستمی / طبیعت: غربت و ظهور ۹۹
-٦- وفاداری به امر واقع / بارتولید بریخت ۱۱۳
-۷- عکاسی و سینما / حرکت زمان و زمان بی‌حرکت ۱۳۱
دفتر دوم / این‌سوی و آن‌سوی دیوارها ۱۵۵
پیش‌گفتار ۱۵٦
-۱- از عشق به طبیعت تا عشق به عکاسی / کیارستمی عکاس ۱۵۹
-۲- از واقعیت تا تصویر / «نامه‌ها»یی به ویکتور اریسه ۱۷۷
-۳- سینمای داستانی، داستان سینمایی / *شیرین* ۱۸۳
-٤- کپی بدون اصل / *کپی برابر اصل* ۲۰۱
-۵- پرده‌پوشی و شفاف‌سازی / *مثل یک عاشق* ۲۱۵

www.ketab.ir

مقدمه‌ای بر ترجمه‌ی فارسی

مرگ [illegible] همیشه [illegible] هنگام است. مرگ کیارستمی نیز. بنابه شرایطی که پیش آمد و ای کاش می‌شد [illegible] آن‌ها پیش [illegible] کرد، فرصتی برای آثار آتی‌اش باقی نماند تا پا به عرصه‌ی وجود بگذارند. اما [illegible] و حسرت‌خواری چه‌بسا شأنی نداشته باشند برای جبران این فقدان جبران‌ناپذیر. [illegible] اگر قرار باشد نثار او شود، صفحات پیش رو پیش‌تر مشحون از این ستایش شده‌اند.

کیارستمی با آن «خضوع» ژرف‌اندیشی که [illegible] انکارناپذیر عظمت واقعی او بود، همیشه دوست داشت این رباعی خیام را (که [illegible] کاتالوگ طعم گیلاس نیز آمده بود) نقل کند: «ای بس که نباشیم و جهان خواهد بود/ نی نام [illegible] نشان خواهد بود/ زین پیش نبودیم و نبُد هیچ خلل/ زین پس چو نباشیم همان خواهد بود». [illegible] با فقدان کیارستمی، این «خلل» ملموس خواهد بود؛ و نام و آثار او، شاید نه «تا جاودان [illegible] بود»، آن‌گونه که خیام با آن نگاهِ از سر تحقیرش به ناچیزی گذرای انسان‌ها، معلوم [illegible] داشت، که بی‌شک، تا هر زمان که حرفی از هنر و سینما به میان آید، پابرجا خواهند [illegible]

با این حال، باید درباره‌ی آثار کیارستمی روی نکته‌ای تصریح کرد [illegible] «وارث» نئورئالیسم و روسلینی خوانده‌اند. این کتاب در باب مخالفت با همین ایده‌ی پذیرفته‌شده‌ی رایج است.

نخستین نظریه‌پردازان بر بُعد ذهنی و مادی سینما تأکید داشتند، برخلاف دیگرانی که، با تحقیر، نمی‌خواستند آن‌را جز ابزاری ساده برای بازتولید واقعیت ببینند. از دیگر سو، از آن‌جا که تصاویر صامت بودند، این بازتولید گویی نقص داشت. سخن‌سرایی در باب

www.ketab.ir

«رئالیسم هستی‌شناختی» (بازَن) و «رهایی واقعیت مادی» (کراکونر) آغاز نشد مگر پس از جنگ دوم جهانی و آغاز حیات نئورئالیسم. بودند کسانی که دوربین را صاحب فضیلتی ویژه می‌دانستند: تجلی‌بخش واقعیت، تو گویی می‌دانیم این واقعیت دربرگیرنده‌ی چیست! این درست که روسلینی نیازی به استودیو نداشت، اما علتش صرفاً این بود که در فیلم‌هایی که درباره‌ی نهضت مقاومت می‌ساخت، تاریخ (در معنای عام آن) در کوچه و خیابان حضور داشت. ولی امروز فیلم‌های او گویی «ملودرام»اند، هرچند بی‌دکور و عاری از هرگونه تصنع. با این حال به‌رغم تفاوت عمده‌ی این فیلم‌ها با زیبایی‌شناسی سنتی، دیگر مجالی نیست که بتوان آن‌ها را فرصتی برای «تجلی‌بخشی واقعیت» در نظر گرفت. یا بر این نکته صحه گذاشت که در این فیلم‌ها بحث بر سر «جوهره‌ی واقعی سینما» است. چنین اظهار نظرهایی مانعی بر سر راه این ایده‌ی وسوسه‌انگیز نیست که به صورت دوره‌ای [illegible] و دیگر سینماگران را نیز مورد ارزیابی قرار دهیم.

آدم باید هیچ درسی از «سینیاتور ایرانی» نداشته باشد که درباره‌ی خانه‌ی دوست کجاست؟ سخن از نئورئالیسم بر زبان بیاورد. با این حال، به‌نام همین درک و برداشت الصاق‌شده به این فیلم است که [illegible] به‌ویژه در جریان نمایش جشنواره‌ایِ ۲۴ فریم، فیلم پسامرگ کیارستمی - به جایی رسیدیم که «دریغاگوی و حسرت‌خوار این باشیم» که کیارستمی از مسیر نئورئالیستی تحلیل خودش منحرف شده است. اما تنها کاری که این واپسین فیلم (کاری درباره‌ی عکاسی، که به علت عدم دسترسی به نسخه‌ای از آن [در فرانسه]، فعلاً نمی‌توان به شیوه‌ای مبسوط درباره‌اش بحث کرد) انجام می‌دهد دقیقاً صراحت‌بخشی به چیزی است که همیشه در دنیای کیارستمی معرفِ به قول معروف «مواجهه‌ی بی‌واسطه‌ی دوربین و واقعیت» بوده است: حساسیت، هوشمندی و خبرگی یک هنرمند واقعیِ تجسمی در خدمت تخیلی به‌غایت اندیشه‌ورزانه و شاعرانه.

یوسف اسحاق‌پور، سپتامبر ۲۰۱۷

www.ketab.ir